



The University Of Tehran Press

## Woman in Development and Politics

### Phenomenography of Perceived Social Support in Women Heads of Households

Sahar Tabrizi<sup>1</sup> | Gholamreza Tabrizikahou<sup>2</sup> | Maliheh Boroumand Mahmoudabadi<sup>3</sup>

1. Master of Art research, Faculty of Art, University of Tarbiat modares, Tehran, Iran. E-mail: [sahar.tabrizi@ymail.com](mailto:sahar.tabrizi@ymail.com)
2. Corresponding Author, Assistant professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology, University of Attar, Mashhad, Iran. E-mail: [rtabrizi@ymail.com](mailto:rtabrizi@ymail.com)
3. Master of of Counseling, Faculty of Psychology, University of Hekmat Razavi, Mashhad, Iran. E-mail: [salari31061352@gmail.com](mailto:salari31061352@gmail.com)

#### Article Info

##### Article type:

Research Article

##### Article history:

Received: 21 August 2023

Received in revised form: 15

April 2024

Accepted: 8 May 2024

Published online: 5 July 2024

##### Keywords:

*Female Heads of the Household, Perception, Phenomenography, Social Support.*

#### ABSTRACT

As the percentage of women assuming the role of household leaders rises, there is a prevailing consensus to lend them support. Determining their experience of social support phenomenologically is the objective of the present study. The investigation utilized the phenomenological method. In 1400, twenty-one female heads of household in Mashhad participated in semi-structured interviews; the resulting data were subsequently analyzed using MAXQDA software. Three entities provide assistance to female heads of household: family, friends, and governmental organizations. Often, family support is both financial and emotional. Companionship and friends offer practical, financial, and emotional assistance, while governmental bodies and organizations prioritize monetary support. However, these assistance programs—consisting primarily of low-interest loans—will contribute to the perpetuation of poverty if not accompanied by policies that target and alleviate poverty. Widows initially require emotional support before progressing to requiring financial, material, and informational resources. Following financial support, divorced women require emotional support. Financial, informational, instrumental, and emotional autonomy are all essential for single women. Because mistrust, particularly towards men, constitutes the foundation of each of these women's living space, conformity and aloofness serve as the primary tenets of their social connections. The findings revealed that female heads of household encounter numerous obstacles in their personal and social spheres, necessitating assistance. Nevertheless, policymakers must be concerned with the manner in which these supports are delivered in order to prevent it from becoming a "social issue" and to mitigate social harm.

**Cite this article:** Tabrizi, S., Tabrizikahou, Gh., & Boroumand Mahmoudabadi, M. (2024). Phenomenography of Perceived Social Support in Women Heads of Households. *Women in Development and Politics*, 22(2), 487-509.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.364022.1008371>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.364022.1008371>



انتشارات دانشگاه تهران

## زن در توسعه و سیاست

### بررسی پدیدارنگاری حمایت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار

سحر تبریزی<sup>۱</sup> | غلامرضا تبریزی کاهو<sup>۲</sup> | ملیحه برومند محمودآبادی<sup>۳</sup>

۱. کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: [sahar.tabrizi@gmail.com](mailto:sahar.tabrizi@gmail.com)
۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه عطار، مشهد، ایران. رایانامه: [reza.tabrizi@ut.ac.ir](mailto:reza.tabrizi@ut.ac.ir)
۳. کارشناس ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه حکمت رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: [salari31061352@gmail.com](mailto:salari31061352@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	امروزه تعداد زنان سرپرست خانوار در حال افزایش است و وفاق عمومی آن است تا از آنان حمایت شود. هدف این پژوهش پدیدارنگاری واکاوی تجربه حمایت‌های اجتماعی از آنان است. با ۲۱ زن سرپرست خانوار شهر مشهد در سال ۱۴۰۰ مصاحبه‌ای نیمه‌ساختارمند انجام گرفت. سپس داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند. نتایج حاکی از آن است که حمایت‌هایی که از زنان سرپرست خانوار انجام می‌شود از سه منبع خانواده، دوستان و سازمان‌های دولتی صورت می‌گیرد. حمایت‌های خانواده غالباً عاطفی و اقتصادی است. دوستان و آشنایان به حمایت‌های عاطفی، اقتصادی و ابزاری می‌پردازند و نهادها و سازمان‌های دولتی اولویت خود را در حمایت و پشتیبانی مالی قرار می‌دهند. اما چنانچه این حمایت‌ها که اغلب در قالب وام‌های کم‌بهره است با سیاست‌های فقرزدایی همراه نشود، به بازتولید فقر دامن می‌زند. زنان بیوه ابتدا نیازمند حمایت عاطفی و به مرور نیازهای مالی، ابزاری و اطلاعاتی هستند. زنان مطلقه نخست به حمایت عاطفی نیازمندند و سپس نیاز اقتصادی دارند. زنان مجرد نیز به استقلال مالی، ابزاری، اطلاعاتی و عاطفی نیاز دارند. فضای زیسته همگی این زنان بر بی‌اعتمادی به‌ویژه به مردان بنا شده است؛ بنابراین هم‌نواپی و کناره‌جویی، محورهای اصلی پیوندهای اجتماعی آنان است. نتایج نشان داد زنان سرپرست خانوار با چالش‌های متعددی در زیست خانوادگی و اجتماعی خود مواجه هستند که نیازمند حمایت‌اند. با این حال نحوه ارائه این حمایت‌ها نیازمند توجه سیاست‌گذاران برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و ممانعت از تبدیل شدن آن به یک مسئله اجتماعی برای آنان است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵	
کلیدواژه‌ها: ادراک، پدیدارنگاری، حمایت اجتماعی، زنان سرپرست خانوار.	

**استناد:** تبریزی، سحر، تبریزی کاهو، غلامرضا، و برومند محمودآبادی، ملیحه (۱۴۰۳). بررسی پدیدارنگاری حمایت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار. زن در توسعه و

سیاست، ۲۲ (۲)، ۴۸۷-۵۰۹. DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.349998.1008264>

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.349998.1008264>



© نویسندهگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. مقدمه

در عصر کنونی اصولاً پدر به‌عنوان مسئول، مدیریت خانواده را برعهده دارد. به همین دلیل پدیده نداشتن سرپرست در اغلب تعاریف با عنوان فقدان پدر در خانواده تعریف می‌شود. فقدان که به‌شدت مسائل گوناگون خانواده را با چالش مواجه می‌کند. با وجود این، در سال‌های اخیر شاهد روند روبه‌رشد زانی هستیم که به‌تنهایی مسئولیت زندگی خود را به دوش می‌کشند؛ زانی که در ادبیات اجتماعی با عنوان زنان سرپرست خانوار<sup>۱</sup> از آنان یاد می‌شود. از سویی به‌نظر می‌رسد رسیدن به اجماع نظر درباره این تعاریف به دلایلی دشوار است (Hemmati & Karimi, 2018). ابتدا اینکه نوعی ابهام کلی در تعاریف وجود دارد؛ به‌طوری‌که انتساب سرپرستی خانواده به زنان در نزد بسیاری از محققان مترادف با آسیب برداشت می‌شود. گویی سرپرست‌بودن و نان‌آوری مردان امری است که مقبول و مورد وفاق اجتماعی است و این سرپرستی زنان است که نوعی آسیب و مسئله به شمار می‌رود (Jafari et al., 2017). باین‌حال مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی<sup>۲</sup> زن سرپرست خانوار، زنی است که تحت تأثیر عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد یا ازکارافتادگی همسر یا پدر، زندانی شدن یا معلولیت مرد و رهاشدن توسط مردان مهاجر یا بی‌مبالات، سرپرستی خانواده خویش را به‌عهده دارد (Azizmohammadi et al., 2019).

شواهد نشان می‌دهد امروزه در یک سوم خانوارهای جهان، زنان سرپرستی خانوار را به‌عهده دارند (Rowshani et al., 2020). همچنین مطابق پیش‌بینی‌های صندوق جمعیت سازمان ملل<sup>۳</sup> برآورد می‌شود امروزه ۳۰ درصد کل خانوارهای کشورهای درحال توسعه توسط زنان اداره می‌شوند (Julka, 2015). همچنین برآورد می‌شود این رقم در مناطق شهری، به‌ویژه در آمریکای لاتین و مناطقی از آفریقا، به ۵۰ درصد هم برسد (Scott, 2018). در ایران نیز پدیده زنان سرپرست خانوار توجه بسیاری از قانون‌گذاران، نهادهای حمایتی و محققان را به خود جلب کرده است؛ زیرا مستند به سالنامه آماری (۱۴۰۰) معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری، دو میلیون و پانصد سی هزار زن سرپرست خانوار در ایران وجود دارد. به تعبیری دیگر زنان سرپرست خانوار ۱۲ درصد خانوارهای ایرانی را به‌عهده دارند (Seyyedsharifi et al., 2019). این گروه از زنان اغلب با عوامل آسیب‌زایی مانند ضعف دسترسی به فرصت‌های شغلی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، نداشتن درآمد مستمر و

---

1. Women heads of households  
2. World Health Organization (WHO)  
3. United Nations Population Fund (UNFPA)

مشکلات اجتماعی-روان‌شناختی مواجه‌اند که در صورت عدم حمایت‌های همه‌جانبه هزینه‌های هنگفتی را به جامعه تحمیل خواهند کرد (Parvandi & Arefi, 2018).

از سویی حمایت‌های اجتماعی از این زنان و ادراک از آن، دو موضوع متفاوت است؛ زیرا افراد براساس دنیای زیسته‌ای که تجربه می‌کنند، پدیده‌ها و از جمله حمایت‌های اجتماعی را ادراک می‌کنند. به بیانی هر یک از این زنان بسته به اینکه به چه علت واجد شرایط سرپرستی شده‌اند، چه تجربی را در زندگی زناشویی گذرانده‌اند، آیا واجد فرزند هستند یا فاقد آن، اینکه مجرد هستند یا خیر، حمایت‌ها را به گونه‌ای متفاوت ادراک می‌کنند. حمایت اجتماعی ادراک شده<sup>۱</sup> در ادبیات پژوهش به برداشت فرد از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک‌های خانواده، دوستان و دیگران مهم، مانند سازمان‌های اجتماعی و حمایتی به هنگام مواجهه با مشکل و مقابله با عوامل تنیدگی‌زا مانند اختلالات روان‌شناختی تعریف شده است (Jafari et al., 2017). با چنین تعریفی، بازنمایی ادراک افراد از این پدیده مستلزم انجام پژوهشی با رویکرد کیفی است؛ زیرا اساساً پدیده‌ها و واقعیت‌های آن مستقل از کنشگرانی که آن را ادراک می‌کنند وجود دارند؛ چرا که تجارب افراد، دیدگاه‌ها و ادراکشان در مورد این تجارب، بسیار پیچیده‌تر از آن است که از طریق مشاهده درک شود؛ بنابراین بررسی ادراک پدیده‌ها مستلزم کاوش در تعاملات سوژه و ابژه است. براین اساس فهم اینکه یک زن سرپرست خانوار، حمایت اجتماعی را چگونه ادراک می‌کند، رویکرد در حال ساختی را مطرح می‌کند که در آن، واقعیت را در ارتباط با جهان خویش می‌سازد. به این ترتیب در این مطالعه، روش پدیدارنگاری<sup>۲</sup> با هدف فهم این تفاوت‌ها اتخاذ شد؛ چرا که زنان سرپرست خانوار نیز حمایت‌های اجتماعی را در بستر تجارب زیسته خود به شیوه‌های متفاوتی ادراک می‌کنند. پژوهش حاضر با جهت‌گیری پدیدارنگارانه به دنبال واکاوی تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از حمایت‌های اجتماعی است و به این سؤال پاسخ می‌دهد که ادراک و تجربه زیسته حمایت اجتماعی از زنان سرپرست خانوار از چه سطوح مفهومی‌ای برخوردار است.

## ۲. پیشینه پژوهش

امروزه تعاریف گوناگونی از واژه زنان سرپرست خانوار ارائه شده است. این در حالی است که در جوامع گوناگون، بنا به معیارهای فرهنگی، تعاریف متفاوتی از زنان سرپرست خانوار شده است (Sadeghi & Valadvand, 2015). با این حال در اغلب بررسی‌ها، توجه کافی به ناهمگونی این

1. Perceived social support  
2. Phenomenography

زنان نشده است. تجربه زیسته<sup>۱</sup> هریک از این زنان با دیگری متفاوت است. از سویی تعریف زنان سرپرست خانوار، اساساً متأثر از معیارهای تشخیصی است؛ به طوری که برخی از تحقیقات، معیار سرپرستی خانواده را از منظر اقتصادی مطرح نظر قرار می دهند؛ به طور مثال افشانی و فاتحی (۲۰۱۷)، مجدآبادی و دیگران (۲۰۱۹)، ویسانی و دیگران (۲۰۱۴) سرپرستی زن در خانواده را به مثابه شکل متفاوتی از زیست اقتصادی معمول در جوامع مردسالار تعریف می کنند. در مطالعاتی دیگر، معیار سرپرستی خانوار براساس نوع نقش های متعدد آنان تعریف می شود و سرپرستی به مثابه بازتعریف مناسبات اجتماعی و تجربه احساسی مرتبط با آن مدنظر قرار می گیرد ( Saeidmanesh & Madayeni, 2019; Haji Hasani & Ekhtiari Amiri, 2021; Saeediyani & Nili, 2011; Seyyedsharifi et al., 2019). اما واقعیت انکارناپذیر این است که دوره ای از زندگی یک زن که به خواسته یا اجبار، مسئولیت خویش و فرزندانش را به عهده می گیرد، اصلی ترین دوره شکل گیری هویت یک زن سرپرست خانوار است (Rafatjah & Rabiei, 2016) که پس از گذشت زمانی اندک یا طولانی در پذیرش و ایفای نقش خود ماهر می شود (Kaufman & White, 2015). این در حالی است که الگوی زنانی که سرپرستی خانواده خود را به عهده می گیرند جهان شمول نیست و مفهوم سرپرستی در هر فرهنگی متفاوت با دیگری است (Majd-Abadi et al., 2019)؛ بنابراین فهم مفاهیم مرتبط با زنان سرپرست خانوار از نگاه خودشان می تواند به درک ساختارهای اجتماعی و امکان تعدیل و تغییر آنها کمک کند (Sadeghi & Valadvand, 2015).

پژوهش های گوناگونی در حوزه زنان سرپرست خانوار انجام شده که غالباً در زمره تحقیقات کمی قرار می گیرند (Rabiei, 2016) و صرفاً یک بعد از زندگی آنان را بررسی می کنند. درحالی که منظومه پیچیده این زنان زوایای گوناگونی را دربردارد که تکیه بر پارادایم های کمی ما را از سایر ابعاد مغفول می دارد. مضاف بر اینکه تعدادی از این پژوهش ها در بستری مردانه صورت گرفته است و علی رغم اینکه این گونه زنان عنصر فعال اجتماعی هستند، شنیده نشده اند. از سویی نتایج پژوهش های کیفی که درباره زنان سرپرست خانوار انجام شده (Hemmati & Karimi, 2018; Majd-Abadi et al., 2019)، ناظر بر این واقعیت است که مؤثرترین متغیرهای تأثیرگذار در سازگاری و پذیرش هویت جدید در نزد این گونه زنان، حمایت های اجتماعی خانواده، دوستان و نهادهای دولتی یا مؤسسات مردم نهاد از آنان است (Donnelly & Twenge, 2017). در این زمینه بم<sup>۲</sup> (Bieri et al., 2014) معتقد است سازگاری این گروه از زنان درواقع بازتابی طبیعی از طرحواره های حمایتی آنان است. این

1. Lived experience

2. Beam

در حالی است که یکی از طرحواره‌های اساسی در نزد زنان، میل به حمایت‌شدن از جانب مرد است. زن مسئول حفظ آرامش درون خانواده و مرد وظیفه‌اش تأمین نیازها است. اما وقتی این ساختار به هم می‌ریزد، هریک از زوجین باید الزامات نقش جنس مقابل را ایفا کند. در چنین وضعیتی زن، سرپرستی خانواده را به‌عهده می‌گیرد؛ درحالی‌که به‌طور سنتی زنان در عرصه خصوصی تعریف می‌شوند. علی‌رغم این، زنانی که به دلایلی با فقدان همسر روبه‌رو هستند، خواسته یا ناخواسته در سپهر عمومی بیشتر ظاهر می‌شوند. مضاف بر اینکه تغییرات متأثر از جنبش‌های فمینیستی<sup>۱</sup>، زمینه حضور پررنگ‌تر آنان را در فعالیتهای اجتماعی فراهم آورده است (Moussavi Jahanabadi et al., 2019). با این حال آنچه مسلم است، اینکه نوع ادراکی که این گروه از زنان از منابع حمایتی دارند، در سازگاری آنان با عرصه خصوصی‌شان نیز رابطه تنگاتنگی دارد (Seyyedsharifi et al., 2019)؛ زیرا حمایت‌های اجتماعی مذکور سبب می‌شود احساس حمایت‌شدن و اهمیت‌دیدن داشته باشند (Donnelly & Twenge, 2017). به تعبیری اینکه ادراک آنان از حمایت‌های اجتماعی چگونه باشد، می‌تواند در زیست، بودگی، آگاهی، مواجهه و حل مسائل، به آنان در ایفای نقش سرپرستی‌شان کمک کند. نظریه‌ها در این زمینه، بیشتر مأخوذ از فرهنگ‌های دیگر است (Seyyedsharifi et al., 2019)؛ بنابراین مطالعه‌ای پدیدارنگارانه‌ای در این زمینه، امکان بیشتری برای نزدیک‌شدن به نوعی مفهوم‌پردازی ایرانی از حمایت‌هایی که این‌گونه زنان ادراک می‌کنند فراهم خواهد کرد.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

برای پاسخ به سؤالات این پژوهش، برمبنای رویکرد کیفی، به کشف، درک، تفسیر و بازنمایی ادراک حمایت‌های اجتماعی از منظر این زنان پرداخته شد. از آنجا که هدف این پژوهش، بررسی و طبقه‌بندی برداشت‌ها و تجارب متفاوت درمورد پدیده تحقیق است، از روش پدیدارنگاری استفاده شد. این روش با توصیف معانی زنان از سرپرستی خانوار شروع شد و در انتها داده‌های ارائه‌شده هریک از آنان از مفهوم حمایت اجتماعی، در فضای نتیجه، طبقه‌بندی و مفهوم‌پردازی شد (Moussavi Jahanabadi et al., 2019).

جامعه آماری پژوهش حاضر زنان سرپرست خانوار شهر مشهد در سال ۱۴۰۰ است. انتخاب مشارکت‌کنندگان به دو روش ملاکی<sup>۲</sup> و بیشینه پراکنش<sup>۳</sup> انجام شد. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان

1. Feminism
2. Criterion sampling
3. Maximum dispersion

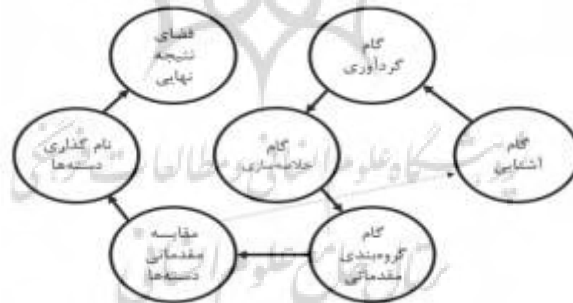
به پژوهش عبارت بود از: سکونت در شهر مشهد در پنج سال اخیر، سابقه سرپرستی به مدت حداقل پنج سال، داشتن حداقل تحصیلات ابتدایی، سن حداقل ۲۵ سال و حداکثر ۵۰ سال؛ ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل عدم پاسخگویی به همه سؤالات، بی میلی و بی انگیزگی نسبت به پاسخگویی به سؤالات در پژوهش بود. از سویی از آنجا که هدف از نمونه‌گیری با بیشینه پراکنش این است که سطوح ادراک افراد در دو سوی طیف بررسی شود، در این مطالعه افراد براساس منزلت اجتماعی تعیین و انتخاب شدند؛ زیرا اولاً در کلان شهر مشهد با تنوع فرهنگی و اجتماعی بالا، سیال بودن جمعیت شهری و نقل و انتقالات فرهنگی ناشی از سفرهای زیارتی، جدایی‌گزینی‌های اجتماعی در آن کاملاً قابل‌رؤیت است و نظر به اینکه هدف این مطالعه، احصای ادراک حمایت اجتماعی تمامی زنان با حداکثر پراکنش بود، مشارکت‌کنندگان نیز از سطوح گوناگون طبقات اجتماعی شهر مشهد انتخاب شدند. در انتخاب مشارکت‌کنندگان ملاحظات اخلاقی پژوهش (رضایت آگاهانه و آزاد، رعایت حریم خصوصی، رازداری اطلاعات شرکت‌کنندگان و آزادی در ترک مشارکت) نیز رعایت شد.

جدول ۱. ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان

شماره	سابقه سرپرستی	تحصیلات	کد	سن	وضعیت تأهل	تعداد فرزند	وضعیت تأهل
۱	۶ سال	دیپلم	I-01	۲۹	مجرد	۰	شاغل
۲	۷ سال	دیپلم	I-02	۳۱	متأهل	۳	بیکار
۳	۱۱ سال	ابتدایی	I-03	۳۴	مطلقه	۲	شاغل
۴	۵ سال	دیپلم	I-04	۴۱	مجرد	۰	بیکار
۵	۵ سال	ابتدایی	I-05	۳۷	بیوه	۱	بیکار
۶	۵ سال	دیپلم	II-01	۲۹	مجرد	۰	شاغل
۷	۱۰ سال	دیپلم	II-02	۴۳	مجرد	۰	بیکار
۸	۷ سال	لیسانس	II-03	۲۵	مجرد	۰	شاغل
۹	۵ سال	دیپلم	II-04	۳۲	مطلقه	۲	بیکار
۱۰	۵ سال	دیپلم	II-05	۴۱	بیوه	۴	بیکار
۱۱	۶ سال	ابتدایی	III-01	۲۶	مطلقه	۲	بیکار
۱۲	۹ سال	لیسانس	III-02	۳۷	مطلقه	۳	شاغل
۱۳	۸ سال	دیپلم	III-03	۲۵	بیوه	۱	بیکار
۱۴	۶ سال	ابتدایی	III-04	۳۹	مطلقه	۴	شاغل
۱۵	۶ سال	سیکل	III-05	۴۵	مجرد	۰	شاغل
۱۶	۹ سال	لیسانس	III-01	۲۷	متأهل	۱	بیکار
۱۷	۵ سال	ابتدایی	III-02	۳۹	مطلقه	۳	شاغل
۱۸	۵ سال	دیپلم	III-03	۴۱	بیوه	۴	بیکار

شماره	سابقه سرپرستی	تحصیلات	کد	سن	وضعیت تأهل	تعداد فرزند	وضعیت تأهل
۱۹	۸ سال	ابتدایی	III-04	۲۷	مطلقه	۰	شاغل
۲۰	۱۰ سال	دیپلم	III-05	۳۷	متاهل	۲	شاغل
۲۱	۸ سال	دیپلم	III-01	۲۹	مجرد	۰	بیکار

به منظور نیل به اشباع نظری<sup>۱</sup>، پس از پایان هر مصاحبه کدگذاری‌های لازم انجام می‌شد تا در صورتی که داده‌ای تکراری باشد، نمونه‌گیری را متوقف کنیم و به تحلیل داده‌ها در مراحل بعدی پردازیم. سؤالات مصاحبه با انتهای باز، مشارکت‌کننده را به سمت بیان خود که مورد نظر پژوهش بود هدایت می‌کرد. همچنین پاسخ‌دهندگان اجازه داشتند تا به ابعادی از سؤالات پاسخ دهند که بیشتر مایل بودند. این روایت آزاد<sup>۲</sup> نه تنها به برقراری رابطه کمک می‌کرد، بلکه قادر بود تا در ایجاد احساس اعتماد در شروع مصاحبه بسیار ارزشمند باشد. این در حالی بود که اتخاذ موضعی برابر، استفاده از واژگان آشنا برای مصاحبه‌شونده، رعایت فاصله فیزیکی، عدم کنجکاوی بیش‌ازحد، بازجویی نکردن و برچسب تشخیصی نزدن از ابتدا در دستور کار قرار گرفت. میانگین مدت انجام هر مصاحبه، به‌طور میانگین ۵۰ دقیقه بود. پس از اتمام مصاحبه، داده‌ها با روش هفت‌مرحله‌ای کلازی<sup>۳</sup> تجزیه و تحلیل شدند. رفعت‌جاه و ربیعی (۱۳۹۵) هفت مرحله را برای این روش به‌منظور تحلیل داده‌های کیفی تشریح می‌کنند و از آنجا که تمامی گام‌های آن برای محققان قابل‌درک است، در این تحقیق نیز به‌کار گرفته شد.



شکل ۱. مراحل هفت‌گانه تحلیل داده‌ها در راهبرد پدیدارنگاری

1. Theoretical saturation
2. Free narration
3. Collaizi



طبق مدل کلایزی، در این مطالعه نیز نتایج به دو شیوه ارائه شد: الف) توصیف کیفی شیوه های متفاوت تجربه حمایت اجتماعی که دامنه طبقات مشترک آنها زمینه فضای نتیجه را فراهم کرد. ب) توصیف حیطه های اصلی و مؤلفه های مشترک آنها که جنبه های مشابه و متفاوت بین طبقات و در نهایت ساختار فضای نتیجه را مشخص ساخت. همچنین در این مطالعه از راهبردهایی مانند حضور طولانی مدت در فضای پژوهش، همنشینی با شرکت کنندگان و تبادل نظر با همتایان نیز استفاده شد. پایایی<sup>۱</sup> داده ها به شیوه بازبینی و استفاده از دیدگاه مددکاران اجتماعی و تأیید آنها (ممیزی بیرونی)<sup>۲</sup> انجام پذیرفت. تحلیل داده های حاصل در هر مرحله از فرایند پژوهش با استفاده از نرم افزار تحلیل محتوای کیفی MAXQDA نسخه ۱۲ انجام گرفت. همچنین به منظور به دست آوردن افزایش قدرت انتقال پذیری، کدهایی که به هر مقوله اختصاص داده شده بود با کمک محققان دیگر ارزیابی شد.

#### ۴. یافته های پژوهش

یافته های حاصل نشان می دهد تجارب زنان سرپرست خانوار از حمایت های اجتماعی می تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی، مانند علت سرپرستی، واجد فرزند بودن، وضعیت اشتغال و سنوات سرپرستی قرار گیرد. پاسخ شرکت کنندگان نشان داد این عوامل می توانند در ادراک، باورها و نگرش های زنان خانوار از حمایت اجتماعی، حمایت مالی، منابع و مؤسسات حامی مؤثر باشد. به طور مثال، شرکت کنندگان متفق القول بودند که سطح تحصیلات، واجد فرزند بودن، شغل و محل سکونت آنها بر دسترسی به حمایت های اجتماعی و تجربه آنها از این حمایت ها تأثیر می گذارد.



شکل ۲. شبکه عوامل بیرونی موجد سرپرستی زنان

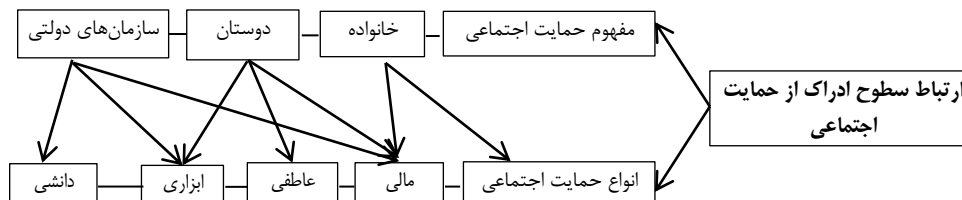
1. Reliability
2. External verification

جدول ۲ نمونه‌ای از پاسخ‌های زنان سرپرست خانوار را نشان می‌دهد. آنچه در نظرات آنان قابل توجه است، اینکه چگونه این عوامل بر تجربه و ادراک حمایت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر می‌گذارد.

جدول ۲. نمونه پاسخ‌های مرتبط با عوامل بیرونی

طبقه	عنوان تأثیر احتمالی	کد مشارکت‌کننده	دریافت‌های الهام‌گرفته از روایت‌های زنان
سن	سن کم	III-03	درست است که تحت سرپرستی بهزیستی هستم، ولی فقط بیمه درمانی دارم و به این دلیل که جوان هستم و توانایی کار کردن را دارم، حمایت مالی نمی‌شوم.
تعداد فرزندان	نداشتن فرزند	IIII-01	چون فرزند ندارم به شدت احساس تنهایی می‌کنم. شاید اگر بچه داشتم کمتر به مشکلاتم فکر می‌کردم.
تحصیلات	تحصیلات بالاتر از دیپلم	II-03	همین که تحصیلات خوبی دارم می‌توانم به خوبی بدانم که چه وقت و کجا باید برای دریافت حمایت بروم.
اشتغال	شاغل	III-05	از اینکه شاغلم بسیار راضی‌ام. خیلی از اوقات که می‌خواهم وام بگیرم، تا می‌فهمند شاغلم وام را راحت‌تر می‌دهند.
علت سرپرستی	فوت همسر	II-05	همین که همسرم فوت کرد، حرف‌وحدیث‌ها شروع شد که باید ازدواج کنم. این حرف‌ها حتی از سوی نزدیک‌ترین افرادی که می‌بایست کنارم بودند گفته می‌شد.
وضعیت تأهل	مطلقه	IIII-02	اصلاً برای زنی که طلاق می‌گیرد، کلی مشکل وجود دارد؛ مخصوصاً افرادی که قصد سوءاستفاده از تو را دارند.
محل سکونت	منطقه ۱۱ (برخوردار)	I-05	چون در منطقه نسبتاً خوبی می‌نشینیم، هیچ شعبه‌ای از بهزیستی در اینجا وجود ندارد و حتی یک‌بار که برای تحقیق آمده بودند، همسایه‌ها تعجب کرده بودند.

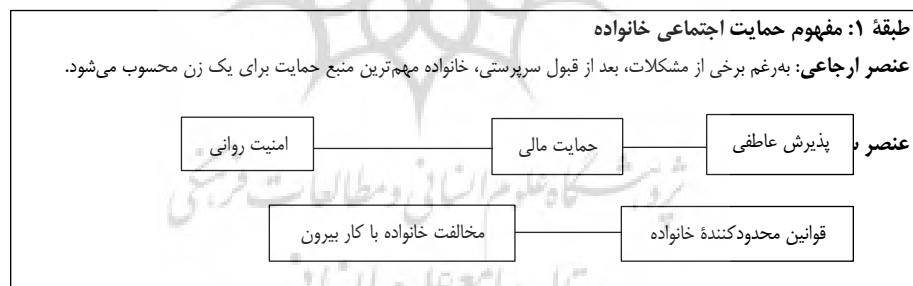
داده‌های حاصل نشان می‌دهد ادراکی که زنان سرپرست خانوار از حمایت‌های دریافتی‌شان در دو بعد قرار دارد: ۱. منابع حمایت اجتماعی (خانواده، دوستان و آشنایان و سازمان‌های دولتی و مؤسسات مردم‌نهاد)؛ ۲. انواع حمایت‌های اجتماعی که در نزد مشارکت‌کنندگان ادراک می‌شود (حمایت‌های عاطفی، مالی، ابزاری و اطلاعاتی). این در حالی است که هریک از منابع فوق، اولویتشان را در ارائه نوع خاصی از حمایت قرار می‌دهند و به همین سیاق نیز زنان سرپرست خانوار، انتظاراتشان از منابع حمایتی همگون نیست؛ به‌طور مثال یک زن سرپرست خانوار از خانواده خود انتظار حمایت عاطفی یا کمک‌های اقتصادی دارد و بعید است انتظار داشته باشد مهارت‌های زندگی مانند کنترل خشم را از خانواده کسب کند.



شکل ۳. ارتباط بین سطوح ادراک حمایت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار

در این راستا یکی از کارکردهای خانواده، حمایتی است که از زنان سرپرست به عمل می‌آید. فارغ از وضعیت تجرد، فرایند طلاق یا بیوگی تغییرات زیادی در ساختار مناسبات اجتماعی افراد ایجاد می‌کند (Goldenberg & Goldenberg, 2016)؛ به طوری که وقتی زن بر اثر جدایی سرپرست خود یا فرزندان می‌شود، خودبه‌خود از ارتباط با دوستان خانوادگی و مشترک قبلی محروم می‌شود؛ زیرا برخی از خانواده‌ها مایل به ارتباط با افراد مطلقه یا بیوه نیستند. بسیاری از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند با زنان مطلقه و یا بیوه جوان ارتباط اجتماعی نداشته باشند؛ چرا که رفت‌وآمدهای این‌چنینی را خطری برای تداوم زندگی زناشویی خود می‌دانند. در این قسمت، طبقه‌توصیفی مفهوم حمایت اجتماعی خانواده در قالب جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. مفهوم حمایت اجتماعی خانواده و عناصر ارجاعی و ساختاری آن



خانواده می‌تواند از زنان سرپرست خانوار حمایت عاطفی کند: «از اینکه همچنین خانواده‌ای دارم خوشحالم. طوری با من رفتار می‌کنن که از بابت ازدواج نکردن احساس گناه نمی‌کنم» (II-02). «اوایی که طلاق گرفته بودم، خانواده‌م خیلی به من کمک کردن، درباره‌ی خشم چندین ساله‌م با خواهرهام و مادرم حرف می‌زدم و اون‌ها هم با گوش کردن آرومم می‌کردن. اگر اونا نبودن معلوم نبود چه رفتار هیجانی‌ای داشته باشم» (III-02).

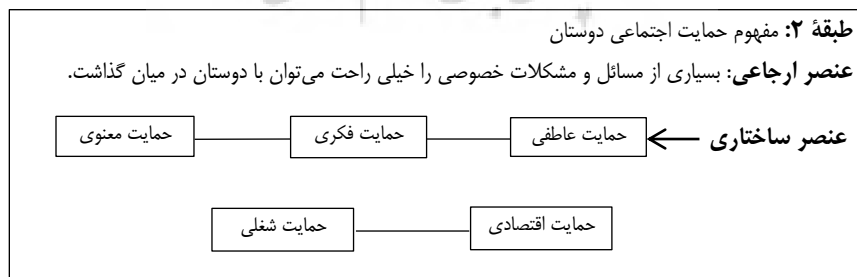
همچنین خانواده می‌تواند از یک زن سرپرست خانوار حمایت مالی کند: «چندین سال بود که اعتقاداتم مانع می‌شد که تصمیم به طلاق بگیرم. ولی هرچقدر تلاش کردم نتونستم با اعتیادش کنار بیام. همون اول پدرم گفت که بالاخره که یک ارثی می‌بری. پس بیا برو توی واحد همکف بشین و زندگی کن. این پیشنهاد خیالم رو حداقل از بابت خونه راحت کرد» (II-04).

از سویی برخی از زنان سرپرست خانوار، حمایت خانواده را در قالب قوانین محدودکننده ادراک می‌کنند: «بعد از جدایی از همسرم، پدرم خونه‌ای رو برام اجاره کرد و ماهیانه مبلغی رو برای مخارج بهم می‌داد. البته پیش خودش توی مغازه کار می‌کنم. ولی از طرفی باید برای هر کاری که می‌کنم توضیح بدم. می‌گه تا وقتی مجردی باید هر کاری که می‌خواهی انجام بدی به من بگی» (III-04).

تعدادی از زنان نیز در راستای حمایتی که از خانواده دریافت می‌کنند، با مخالفت آنان با فعالیت در عرصه عمومی روبه‌رو می‌شوند: «ازدواج نکردم که مستقل باشم و از زمانی که به فکر کار افتادم نمی‌ذارن به کاری که دوست دارم بپردازم. نه ساله موسیقی کار می‌کنم، ولی خانواده‌م برای کار در این رشته مخالفت می‌کنن. چند وقت قبل پدرم به یکی از دوستاش برای کار در به دفتر پیشخوان صحبت کرده بود. الان هم اصرار دارن برم اونجا کار کنم. این کار با روحیه‌م سازگار نیست. نمی‌دونم چیکار کنم» (II-02).

داده‌های مطالعه حاضر نیز نشان می‌دهد اگرچه سهم عمده‌ای از روابط زنان سرپرست خانوار را روابط خانوادگی تشکیل می‌دهد، زنان سرپرست خانوار در روابط دوستانه خود افراد دیگری مانند دوستان قدیمی (دوستان قبل از ازدواج)، دوستان خانوادگی، همسایگان، همکاران (در خصوص زنان شاغل) و دوستان جدیدی را جای می‌دهند. روایت مشارکت کنندگان بیانگر آن است که زنان برخوردار از تحصیلات بالا یا شاغل توانسته‌اند اشکال جدیدی از روابط دوستانه را وارد شبکه روابط اجتماعی شخصی و نیز خانوادگی خود کنند. طبقه توصیفی مفهوم حمایت اجتماعی دوستان در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. مفهوم حمایت اجتماعی دوستان و عناصر ارجاعی و ساختاری آن



مفهوم حمایت عاطفی دوستان: «دوستان خوبی دارم. مثلاً بعضی وقت‌ها شده که نصف شب و در ساعت‌های نامناسبی باهاشون تماس گرفته‌م و همیشه لطف داشتن و جوابگو بودن؛ بنابراین احساس می‌کنم دوست‌هام کنارم هستن» (II-02).

مفهوم حمایت فکری دوستان: «وقتی همسرم فوت کرد به خونه پدرم رفتم. طی این مدت همیشه برای خیلی از کارها و تصمیماتم ارزش کمک می‌گرفتم. پدرم مرد دنیادیده و عاقلی بود، ولی از زمانی که فوت کرد چند تا از دوست‌هام توی خیلی از تصمیم‌هایی که مردد بودم کمک کردن. یادم می‌آد مقداری پول پس‌انداز کرده بودم؛ دوستم گفت برم و یه آپارتمان با وام بخرم برای سرمایه‌گذاری. خدا رو شکر مشورت خوبی بود» (I-05).

مفهوم حمایت اقتصادی دوستان: «چند تا دوست با هم هستیم که هر وقت به مشکل اقتصادی می‌خوریم سعی می‌کنیم مشکل رو حل کنیم. حالا یا با قرض دادن یا با جور کردن وام» (III-01).

مفهوم حمایت شغلی دوستان: «از وقتی از همسرم جدا شدم، همیشه این ترس رو داشتم که مشکلات مالییم رو چطور حل کنم. چند ماه بعد از جدایی با چند نفر از دوست‌هام تماس گرفتم. بعضی شون وضع مالی خوبی داشتن و بعضی دیگه نه. یه روز که خونه یکی از دوستان جمع بودیم پیشنهاد دادم هر کدوم بیایم و مبلغی رو بیاریم و کاری رو شروع کنیم. با فرازونشیب‌هایی عملی شد. الان یه مغازه تاپ و تکثیر زدم، درآمد خوبی دارم و علاوه بر اینکه حقوق و دستمزدم رو برمی‌دارم، سهم دوستانم رو هم آخر هر ماه به حسابشون واریز می‌کنم» (III-04).

مفهوم حمایت معنوی دوستان: «هشت سال قبل که شوهرم فوت کرد، دنیا هم برای من تموم شد. افسردگی خاصی داشتم. حوصله هیچ کاری رو نداشتم. ولی خوشبختانه چند تا از دوستان قدیمم که مذهبی بودن بهم پیشنهادی دادند. به توصیه اون‌ها تو مراسم‌های معنوی شرکت کردم. اوایل نه، ولی بعداً واقعاً چنین تجاربی برام آرامش بخش بود. کم‌کم خوشبختیم برگشت و تونستم به خودم پیام» (III-03).

از سویی امروزه تغییرات معنادار و اساسی در طرح‌های سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی کشورها موجب شده است سیاست‌گذاران، شهروندان آگاه و نیز قشرهایی از جامعه برای یافتن راه‌حل‌های نوآورانه و پایدار در راستای کاهش آسیب‌ها و مسائل مرتبط با آن، که از دلایل اصلی بی‌عدالتی و توزیع نابرابر منزلت اجتماعی در جهان‌اند، به سمت توانمندی و کاهش پیامدهای محرومیت در طبقاتی از جامعه و از جمله زنان سرپرست خانوار روی آورند (Zare & Dashtaki, 2019). در این راستا بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد<sup>۱</sup> هدف خود را بر توانمندسازی زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانوار متمرکز

کرده‌اند. این در حالی است که یکی از ویژگی‌های مورد تأکید در تعریف این گونه سازمان‌ها غیرانتفاعی بودن آن‌ها است. این سازمان‌ها جزو نهادهای مدنی‌ای هستند که حلقه واسط مردم با حکومت‌اند و رشد مشارکت‌های اجتماعی، ارتقای اقتصادی، افزایش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای اعضای خود را دنبال می‌کنند. این نهادها در ایران با عناوین مختلف فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، زنان، جوانان، خیریه و مؤسسات فعالیت می‌کنند (Hemmati & Karimi, 2018). داده‌های حاصل، چهار خرده‌مفهوم در ارتباط با حمایت‌های اجتماعی سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد از زنان سرپرست خانوار را آشکار کرد. در این قسمت، طبقه توصیفی مفهوم حمایت اجتماعی نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. مفهوم حمایت‌های دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد و عناصر ارجاعی و ساختاری آن

طبقه ۳: مفهوم حمایت‌های دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد			
عناصر ارجاعی: از آنجا که این سازمان‌ها دولتی هستند، با اطمینان بیشتری می‌شود به آن‌ها تکیه کرد، ولی کمک‌های آنان بسیار ناچیز است.			
عناصر ساختاری ←	افزایش مهارت‌های	افزایش توان اقتصادی	ارتقای منزلت
			بازتولید فقر

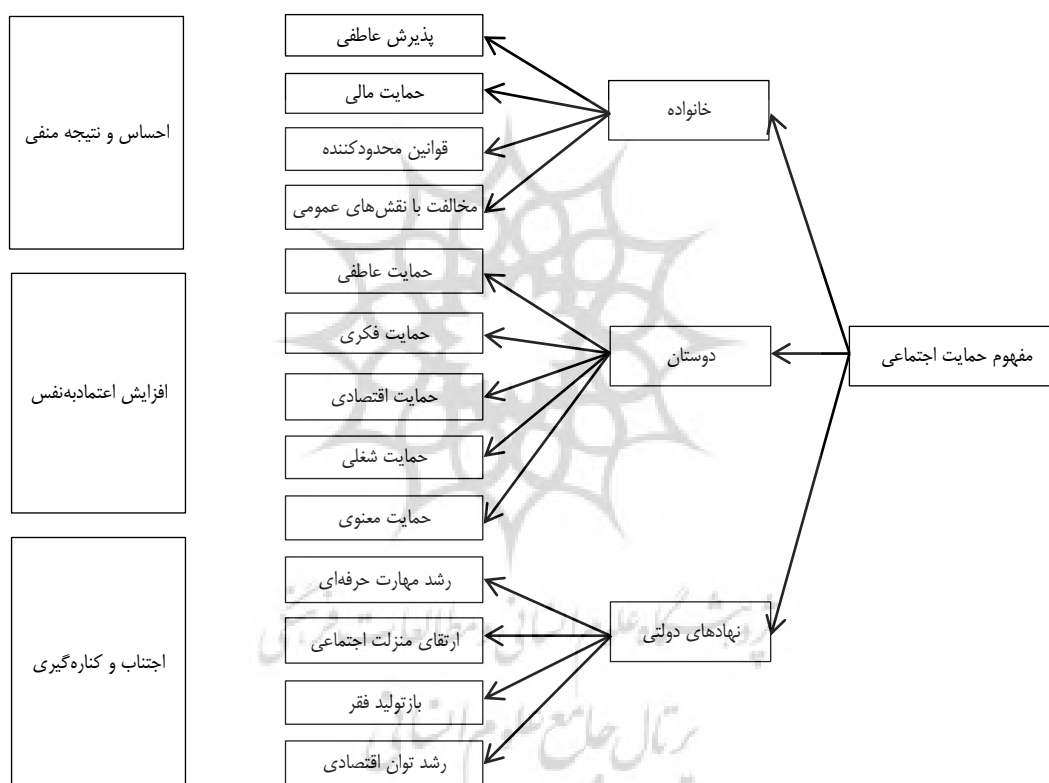
مفهوم حمایت‌های حرفه‌ای و روان‌شناختی نهادهای دولتی: «وقتی از همسر جدا شدم، واقعاً مونده بودم. تصمیم ازدواج هم نداشتم. کمیته امداد من رو به اداره کار برای فراگیری شغل معرفی کرد و تونستم به خوبی هم از پس یادگیری بر پیام» (III-02).

مفهوم حمایت اقتصادی نهادهای دولتی: «شوهرم کارگر ساختمانی بود و بالابر روش افتاد و مرد. ولی خوشبختانه صاحب کار، مدیر یه مجتمع کمک به محرومان بود. ساختمونی که همسر اونجا فوت کرده بود بیمه بود. خودش رفت دنبال کار بیمه و دیه رو گرفت. بعد مقداری هم از صندوق مجتمع کمک کردند و تونستم خونه‌ای بخرم» (III-03).

مفهوم رشد منزلت اجتماعی از سوی نهادهای دولتی: «وقتی از همسر جدا شدم مجبور بودم محله زندگی رو عوض کنم. چون نمی‌تونستم از پس اجاره بر پیام. برام خیلی سخت بود. چون هم خونه پدرم و هم بعد از ازدواج در محلات نسبتاً خوبی زندگی می‌کردم. ولی حالا مجبور بودم برم مناطق پایین شهر. عضو یه مؤسسه مردمی بودم که افراد خیر هر ماهه مبلغی رو در یه صندوق برای وام دادن

به افراد پرداخت می‌کردن. البته شرایط دریافت وام سخت بود. ولی تونستم مراحلش رو طی کنم و حدوداً پول رهن یک خونه در مناطق بالای شهر رو از طریق وام جور کنم» (I-03).

مفهوم بازتولید فقر از سوی نهادهای دولتی: «حالا که فکرش رو می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که نباید وام می‌گرفتم یا حداقل قبل از گرفتن وام باید فکری براش می‌کردم. یه سالی هست که وام رو با معرفی بهزیستی از بانک گرفتم، ولی فقط تونستم دو تا از قسط‌ها رو پرداخت کنم. وام هم خرج شده. موندنم چطوری قسط‌ها رو بدم» (I-03).



شکل ۴. فضای نتیجه ادراک حمایت اجتماعی در نزد زنان سرپرست خانوار

## ۵. نتیجه‌گیری

اساساً طبقه اجتماعی عاملی تعیین‌کننده در به‌دست‌آوردن فرصت‌ها و امکاناتی است که افراد در اختیار دارند و می‌تواند منشأ نابرابری‌های متفاوتی باشد (Shiyani & Zare, 2020)؛ زیرا تفاوت در

طبقه اجتماعی همراه با تفاوت در ثروت، درآمد، تحصیلات و حتی سلامتی است. با این حال بودن در یک طبقه اجتماعی خاص یا بودگی در یک وضعیت اجتماعی ویژه، بخش گریزناپذیری از هویت افراد است؛ بنابراین به یک معنا طبقه اجتماعی به عمق سیستم روان نفوذ می‌کند و بخشی از اینکه چه احساسی در مورد خود و دیگران دارد را شکل می‌دهد. همچنین طبقه اجتماعی می‌تواند در فرد حس شرم، خجالت، گناه، خشم، حسادت، لذت یا غرور ایجاد کند یا منشأ دفاعی شدن و اجتناب از اجتماع و امتناع از دریافت حمایت‌های گوناگون باشد.

زنان سرپرست خانوار در هر جامعه‌ای از جمله ایران نیز یکی از طبقات اجتماعی‌ای هستند که اعضای آن، هریک برداشتی متفاوت از هویت خود و جهان پیرامونشان دارند. با این حال مطالعات اندکی در ساحت جهان درونی آن‌ها صورت گرفته است. بنابراین به نظر می‌رسد بررسی ادراک آنان در طبقه اجتماعی‌شان و احساساتی که همراه با آن می‌آید یک عنصر حذف‌شده در ادبیات پژوهشی است. هرچند همیشه نوعی ابهام در اطراف واژه «طبقه اجتماعی»<sup>۱</sup> وجود داشته است. بسیاری از این مطالعات نشان می‌دهد که اساساً اضمحلال یا از دست دادن رابطه زناشویی، یک مرحله پرتنش در زندگی زنان سرپرست خانوار است (Kaufman & White, 2015)؛ زیرا هنگامی که یک زن سرپرستی خانواده را به عهده می‌گیرد، باید هویت جدیدی برای خود ترسیم کند و دست به «بازتعریف ارتباط با جهان بیرون از خود» و سازگاری با وضع جدید بزند. رفتن به سمت خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیررسمی و بازتعریف جدیدی از افرادی که قبلاً با آنان معاشرت داشته، از جمله مناسبات جدید وی است. این پژوهش از مصاحبه با زنان سرپرست خانوار به سه منبع حمایتی خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و نیمه‌رسمی دست یافت.

نتایج این پژوهش نشان داد زنان سرپرست خانوار، برای دریافت حمایت‌های عاطفی، اولویتشان این بود که به سمت خانواده و دوستان بروند و برخی از آنان نیز به منظور دریافت حمایت‌های اقتصادی رو به سوی نهادهای رسمی می‌گذارند. با این حال پیامدهای فرهنگی ناشی از بیوگی، طلاق یا تجرد سبب می‌شد بیشترین تعاملاتشان با زنان باشد. تقریباً هیچ کدامشان به مردان اعتمادی ندارند و در اکثر موارد خواهان حضور مقطعی یا به‌زعم بری و دیگران (۲۰۱۹) «زیسته‌های دور از هم» فقط برای رفع نیازهای خود بودند؛ بنابراین بی‌اعتمادی، بی‌ثباتی و مسموم‌بودن روابط، مخصوصاً ارتباط با جنس مخالف، بر شیوه درخواست حمایتشان از هر سه منبع خانواده، دوستان و نهادهای دولتی سایه انداخته و زمینه را برای بروز ادراکی متناقض از این حمایت‌ها فراهم آورده است.



یکی از نیازهای زنان سرپرست خانوار، دریافت حمایت‌های مالی است که هر سه منبع حمایتی (خانواده، دوستان و نهادهای دولتی) قادرند تا این نوع کمک‌ها را به آنان ارائه کنند. باین حال در این پژوهش، حمایت‌های مالی که با چشم‌انداز فقرزدایی ترکیب نشده بود، برای زنان سرپرست خانوار به بحران بدهی‌ها ختم شده بود. چنین چالشی در یافته‌های پژوهش مجدآبادی، نیک‌پیما و همکاران (۱۳۹۸) نیز آورده شده است.

از سویی به تعبیر کافمن و وایت (۲۰۱۵) امروزه مناسبات اجتماعی به سمت جهانی غیرواقعی در حال گسترش است. یافته‌های این مطالعه نیز مشخص کرد تعدادی از زنان سرپرست خانوار روی به سمت فضای مجازی گذارده‌اند، اما آنجا نیز برایشان همانند جهان واقعی مملو از تناقض ساختاری است. از یک سو فضای مجازی برایشان بستری برای اشتغال و درآمدزایی فراهم کرده است و از سوی دیگر هم ممکن است حریمشان مورد تعددی قرار گیرد. باین حال به زعم ژولیکا (۲۰۱۵) فضای مجازی قدرت چانه‌زنی و انتخابشان را افزایش داده است. گروهی از آنان چشم‌انداز روشنی نسبت به حمایت‌های دریافتی دارند، اما تعدادی از آنان نگرشی منفی به کمک‌های اجتماعی دارند. برای گروهی دیگر نیز اکنون مهم است و در لابه‌لای سخنانشان نشانه‌هایی از میل به حمایت‌شوندگی در اکنون وجود دارد. این در حالی است که برخی از آنان خود را تسلیم سرنوشت از پیش نوشته‌شده می‌دانند و از هرگونه تلاشی برای تغییر در وضعیت خود دست برداشته‌اند. گروهی نیز علاوه بر اینکه به آینده این حمایت‌ها خوش‌بین هستند، سعی می‌کنند بر ناامیدی خود فائق آیند و با در نظر گرفتن شرایط موجود تلاش می‌کنند تا تصمیم‌گیری عاقلانه‌تری برای دریافت حمایت‌های اجتماعی داشته باشند.

نتایج این پژوهش، همسو با تعدادی از پژوهش‌های کیفی مانند همتی و کریمی (۲۰۱۸) و عزیزمحمدی و دیگران (۲۰۱۹) نشان داد جامعه برای زنانی که سرپرست خانوار شده‌اند، هویت جدیدی تعریف کرده است. در این فرایند، غالباً خودپنداره این زنان و هویتشان متزلزل می‌شود و بنابراین مناسباتشان با جامعه را در چارچوب خاصی که عمدتاً سودی از آن نمی‌برند، تعریف می‌کنند. احساس طرد و انزوا، ترحم، بیگانگی، ناامنی و ناراحتی از جمله این پیامدها است. در چنین فضایی، این زنان تلاش کرده‌اند با راهکارهایی مانند پنهان کردن سرپرستی خود، بازگشت به خانواده پدری و تعریف مناسبات جدید (اتکا و اعتماد به نهادهای رسمی برای دریافت حمایت مالی و فکری)، روابط اجتماعی مخدوش شده و هویت خود را ترمیم کنند و بر اضطراب و تشویش روانی ناشی از سرپرستی فائق آیند. از سویی پیامدهای فشارهای اجتماعی برای این زنان، دست‌کمی از فشارهای اقتصادی

ندارد (Rowshani et al., 2020)؛ به طوری که تعدادی از زنان سرپرست خانواری که در این پژوهش شرکت کرده‌اند، زیست اجتماعی جدیدشان موجب شده است به درک بهتری از نقش‌ها و قابلیت‌های خود و مفهوم زندگی دست یابند. از یک طرف آن‌ها از گروه خود منزوی و مطرود شده‌اند و از طرف دیگر وضعیت جدید آن‌ها را واداشته شعاع مناسبات اجتماعی خود را برای تأمین معاش گسترش دهند و روابط جدیدی را با بیرون از گروه خویش ایجاد کنند. ویژگی دیگر این شکل از زیست اجتماعی، ایفای نقش‌های متعدد و گاهی متناقض در عرصه‌های خصوصی (نقش‌های بازتولیدی) و عمومی (نان‌آوری و اشتغال) است که فشار مضاعف جسمی و روانی بر این زنان وارد ساخته است.

همسو با نتایج پژوهش‌های حاجی حسنی و اختیاری امیری (۲۰۲۱) و دشتکی (۲۰۱۹) تماعی از زنان سرپرست خانوار بیشتر باشد، توان آن‌ها نیز در مقابله با فشارهای زندگی افزایش می‌یابد. زنان سرپرست خانوار اولویت حمایت طلبی خود را ابتدا از خانواده، سپس دوستان و نهایتاً سازمان‌های دولتی درخواست می‌کنند. با وجود این، خواه درخواست حمایت از طرف ارگان رسمی باشد، خواه حمایت از گروه‌های غیررسمی (خانواده و دوستان)، نتیجه آن برایشان رضایت بخش است. باین حال زنان سرپرست خانوار این پژوهش، تمایل بیشتری به حمایت‌شدن از سوی خانواده و دوستان داشتند. این نتیجه تأییدکننده ایده یورگن هابرماس<sup>۱</sup> (Hemmati & Karimi, 2018) است که می‌گوید میان عقلانیت نظام اجتماعی (ارگان رسمی) و عقلانیت جهان زندگی (گروه‌های غیررسمی)، اصولاً باید تمایز قائل شد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد هرچه منابع حمایت‌کننده غیررسمی‌تر باشد به همان اندازه نیز زنان سرپرست خانوار در ابعاد پذیرش، انسجام، مشارکت، شکوفایی و امنیت رشد بیشتری می‌کنند؛ بنابراین از آنجا که در خانواده و در بین دوستان، قوانین دارای سلسله‌مراتبی انعطاف‌پذیر است، این زنان آزادانه می‌توانند توانایی‌های خود را ابراز کنند، استعدادهایشان دیده و تشویق شود و خلاقانه‌تر با مسائل زندگی روبه‌رو شوند (Tabrizi et al., 2022). مضاف بر اینکه خانواده و دوستان جنس حمایتشان با سازمان‌های دولتی فرق می‌کند؛ به طوری که آن‌ها توان و پتانسیل بالاتری در حمایت‌های عاطفی دارند. این در حالی است که سازمان‌های دولتی فاقد این استعداد و توان هستند؛ زیرا به تعبیر آنتونی گیدنز<sup>۲</sup> به نقل از موسوی جهان آبادی و دیگران (۲۰۱۹) درحالی که عقلانیت اجتماعی مستلزم نهادمندی یک نظام هنجار بخش است، عقلانیت جهان زیسته مستلزم روا داشتن کنش‌های متقابلی است که تحت هدایت توافق‌های مبتنی بر هنجارها نیستند،

1. Jurgen Habermas  
2. Anthony Giddens

بلکه مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر توافق‌هایی اند که از رهگذر تفاهم ارتباطی در بستر روابط عاطفی به دست می‌آید. از سویی نتایج پژوهش حاضر نشان داد زنان سرپرست خانوار حمایت اجتماعی را در بستر برابری اجتماعی ادراک می‌کنند. پیامدی که آرمان طرفداران دیدگاه فمینیست‌های لیبرال<sup>۱</sup> است (Goldenberg & Goldenberg, 2016) که از دیرباز به دنبال احقاق حقوق برابر برای زنان و مخصوصاً زنان آسیب‌پذیر و فرودست بوده‌اند. علاوه بر این هر فرهنگی در درون خود تعریفی از زنانگی و مردانگی دارد که چنین تعریفی هرگونه فعالیت اجتماعی را در عرصه عمومی ترسیم می‌کند (Parvandi & Arefi, 2018). به همین سیاق زنان سرپرست خانوار این پژوهش نیز علاوه بر تحت تأثیر بودن نابرابری‌های جنسیتی که در اکثر جوامع وجود دارد، هرگونه فعالیتشان در عرصه خصوصی و عمومی وابسته به تعریفی می‌شوند که فرهنگ از آنان دارد.

از سویی داده‌های حاصل از مصاحبه مشخص کرد «طرده اجتماعی برون‌زا»<sup>۲</sup> و «طرده اجتماعی درون‌زا»<sup>۳</sup> دو محوری هستند که اکثر مناسبات و روابط زنان سرپرست خانوار را در برمی‌گیرند؛ به طوری که تعدادی از زنان مشارکت‌کننده بیان کردند که بعد از طلاق یا فوت همسرشان، روابط اجتماعی شان به میزان چشمگیری کاهش یافته است. همچنین تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان این پژوهش بر ناامنی و مسموم‌بودن حمایت در فضای حقیقی و مجازی، نارضایتی از قوانین و محیطی تهی از اعتماد، متفق‌القول بودند؛ بنابراین اعتمادداشتن به منابع حمایتی و حمایت‌کنندگان، محیطی سرشار از ریسک و ناامنی فضا، همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته‌ای گرداگرد آنان را احاطه کرده و دریافت‌های حمایتی آنان را در هاله‌ای از ابهام فروبرده است.

## ۷. سپاسگزاری

محققان از سازمان بهزیستی، کمیته امداد و دفتر امور زنان و خانواده استانداری خراسان رضوی به جهت همکاری تشکر و قدردانی می‌کنند. سپاس ویژه خود را تقدیم زنان سرپرست خانوار بزرگواری می‌کنیم که وقت ارزشمندشان را با بزرگ‌منشی در اختیار این پژوهش قرار دادند.

## ۸. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

1. Liberal feminism

2. Exogenous social exclusion

3. Endogenous social exclusion

**References**

- Afshani, S., & Fatehi, E. (2017). An investigation of socio-cultural factors influencing women householder abilities in the city of Tabriz. *Journal of Women and Society*, 7(27), 19-38.  
[https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article\\_2103.html?lang=fa](https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_2103.html?lang=fa) (In Persian)
- Azizmohammadi, S., Rakebi, N., Koochesfehiani, S. K., & Asadi, H. (2019). Role of self-compassion and distress tolerance in the social health of female household heads. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*, 9, 56-56. <https://jdisabilstud.org/article-1-1462-fa.html> (In Persian)
- Bieri, B. C., Kappler, C., Keck Frei, A., & Berweger, S. (2014). I want to be a scientist/a teacher: Students' perceptions of career decision-making in gender-typed, non-traditional areas of work. *Journal of Gender and Education*, 26(7), 743-758.  
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09540253.2014.970615>
- Donnelly, K., & Twenge, J. M. (2017). Masculine and feminine traits on the Bem Sex-Role Inventory, 1993–2012: A cross-temporal meta-analysis. *Sex Roles*, 76(9-10), 556-565. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11199-016-0625-y>
- Farzade, Z. (2014). Social Exclusion of Single Women in Rural Areas. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 6(1), 123-146.  
[https://jrd.ut.ac.ir/article\\_52073.html?lang=fa](https://jrd.ut.ac.ir/article_52073.html?lang=fa) (In Persian)
- Ghorbani, F., Mohseni, R. A., & Ansari, H. (2019). A meta-analysis of the needs and priorities of life for women-headed households with a sociological approach. *Refahj*, 19(72), 55-90.  
<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3121-fa.html> (In Persian)
- Goldenberg, I., & Goldenberg, H. (2016). *The therapeutic family*. Translated by: H. R. Hossein Shahi Barvati & S. Naqshbandi. Tehran: Ravan.  
<https://www.adinehbook.com/gp/product/9648345058> (In Persian)
- Haji Hasani, M., & Ekhtiari Amiri, R. (2021). Empowering women heads of households in Chaharmahal and Bakhtiari province for participate in labor market. *Women Police*, 15(34), 29-50.  
[http://ps.jrl.police.ir/article\\_96109.html](http://ps.jrl.police.ir/article_96109.html) (In Persian)
- Hemmati, R., & Karimi, Z. (2018). Divorced women and family supervision experience: A qualitative study (Case study: Divorced family-headed women of Farsan). *Women Studies*, 9(24), 181-211.  
[https://womenstudy.ihs.ac.ir/article\\_3344.html](https://womenstudy.ihs.ac.ir/article_3344.html) (In Persian)

- Jafari, A., Jafari, S., & Hosseini, S. M. (2017). Effectiveness of psychological empowering on reducing anxiety and improving executive functions of women with addictive spouse. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 8(32), 89-109. [https://qccpc.atu.ac.ir/article\\_8214.html](https://qccpc.atu.ac.ir/article_8214.html) (In Persian)
- Julka, N. (2015). Social support and education groups for single mothers: A randomized controlled trial of a community-based program. *Canadian Medical Association Journal*, 173(12), 145-165. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/16293780/>
- Kaufman, G., & White, D. (2015). What makes a “good job”? Gender role attitudes and job preferences in Sweden. *Gender*, 32(4), 279-294. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12147-015-9145-2>
- Lindeff, T., & Taylor, B. (2010). *Qualitative research methods in communication sciences*. Translated by: A. Givian. Tehran: Hamshahri. <https://www.adinehbook.com/gp/product/9642410132> (In Persian)
- Majd-Abadi, A., Nikpeyma, N., Hazrati Gondad, S., Noori, F., & Noei Mohammad-Bagher., E. (2019). Quality of life of head-of-household women in IRAN: A review study. *Iranian Nursing Research*, 14(5), 58-65. <https://ijnr.ir/article-1-2120-fa.html> (In Persian)
- Moidfar, S., & Hamidi, N. (2013). Women head of the household: unsaid and social damage. *Social Sciences Letter*, 15(33), 131-158. [https://jnoe.ut.ac.ir/article\\_26986.html](https://jnoe.ut.ac.ir/article_26986.html) (In Persian)
- Molla Ebrahimi, E., & Roshan Fakhr, A. (2008). An attitude towards the presence of Lebanese women in cultural fields. Women in culture and art. *Women's Studies*, 1(2), 107-117. [https://jwica.ut.ac.ir/article\\_19995.html](https://jwica.ut.ac.ir/article_19995.html) (In Persian)
- Moussavi Jahanabadi, A. S., Tabibi, Z., Mahram, B., & Modares Gharavi, M. (2019). The comprehension of femininity in private and public realms by 3 to 6-year-old children in Mashhad. *Journal of Social Sciences*, 15(2), 305-343. [https://social.um.ac.ir/article\\_28655.html](https://social.um.ac.ir/article_28655.html) (In Persian)
- Nameni, E., Keshavarz, H., Heydari, H., & Fatoorchi, S. (2019). The effectiveness of combining reality therapy and logo therapy approaches on the quality of life and psychological adjustment of female householders. *Applied Psychological Research*, 10(1), 83-96. [https://japr.ut.ac.ir/article\\_72621.html](https://japr.ut.ac.ir/article_72621.html) (In Persian)

- Parvandi, A., & Arefi, M. (2018). Prediction of psychological well-being based on hope and perceived social support among women-headed households. *Woman and Family Studies*, 2(14), 89-114.  
[https://jwfs.alzahra.ac.ir/article\\_4477.html](https://jwfs.alzahra.ac.ir/article_4477.html) (In Persian)
- Rabiei, M. (2016). *Multiplicity of roles in female heads of the household*. Tehran: Sociologists.  
<https://www.adinehbook.com/gp/product/6002233393> (In Persian)
- Rafatjah, M., & Rabiei, M. (2016). Studying the experience of playing the role of the job - family by female-headed households with an emphasis on subway female peddlers. *Refahj*, 16(62), 143-186.  
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2680-fa.html> (In Persian)
- Rigi, T., Dayyani, M. H., & Fattahi, F. (2019). Phenomenography: A qualitative methodology at information retrieval area studies. *Librarianship and Information Organization Studies*, 30(2), 18-38.  
[http://46.209.25.211/article\\_2329.html](http://46.209.25.211/article_2329.html) (In Persian)
- Rowshani, S., Tafta, M., Khosravi, Z., & Khademi, F. (2020). Effective conditions on female-headed households' life in Iran and solutions to reduce injuries. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 9(3), 693-717. [https://jisr.ut.ac.ir/article\\_77622.html](https://jisr.ut.ac.ir/article_77622.html) (In Persian)
- Tabrizi Kahoo, G., Salehi, K., Keshavarz Afshar, H., & Madani, Y. (2022). Phenomenology of female-headed household's perception of self-concept in both private and public spheres. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 10(19), 251-293.  
[https://csr.basu.ac.ir/article\\_4498.html?lang=fa](https://csr.basu.ac.ir/article_4498.html?lang=fa) (In Persian)
- Sadeghi, R., & Valadvand, L. (2015). Gender and migration: A sociological analysis of gender differentials in internal migration in Iran. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 4(7), 55-78.  
[https://csr.basu.ac.ir/article\\_1561.html](https://csr.basu.ac.ir/article_1561.html) (In Persian)
- Saeediyani, F., & Nili, M. (2011). A study on the effect of assertiveness training on social adjustment and positive self-concept for head-of-household women. *Clinical Psychology Studies*, 2(5), 91-115.  
[https://jcps.atu.ac.ir/article\\_2084.html](https://jcps.atu.ac.ir/article_2084.html) (In Persian)
- Saeidmanesh, M., & Madayeni, L. (2019). Mindfulness-based cognitive therapy on depression, anxiety and resilience of depressed female-headed households in Tehran. *Disability Studies*, 9(1), 1-8.  
<https://jdisabilstud.org/article-1-951-fa.html> (In Persian)

- Scott, J. W. (2011). Factors determining savings of women-headed households in Botswana. *International Journal of Economic*, 2(8), 55-62.  
[https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=3549205](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3549205)
- Seyyedsharifi, M., Navabi Nezhad, S., & Farzad, V. (2019). Comparison of the effectiveness of emotional - focused and schema therapy approach on the self-Efficacy of parenting in mothers of the household head. *Journal of Psychological Science*, 18(76), 407-415. <https://qjfr.ir/article-1-1912-fa.html> (In Persian)
- Shiyani, M., & Zare, H. (2020). A meta-analysis of female-headed household studies in Iran. *Sociological Review*, 26(2), 67-97.  
[https://jsr.ut.ac.ir/article\\_75859.html](https://jsr.ut.ac.ir/article_75859.html) (In Persian)
- Varley, A. (2016). Women heading households: Some more equal than others? *Journal World Development*, 24(3), 505-520.  
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0305750X95001497>
- Veisani, Y., Delpisheh, A., Sayehmiri, K., Shahbazi, N., Naderi, Z., & Sohrabnejad, A. (2014). Relationship between socioeconomic status and quality of life in the female-headed households. *Social Workmag*, 3(1), 27-33. <https://socialworkmag.ir/article-1-38-fa.html> (In Persian)
- Wood, W., & Eagly, A. H. (2015). Two traditions of research on gender identity. *Sex Roles*, 73(11-12), 461-473.  
<https://link.springer.com/article/10.1007/s11199-015-0480-2>
- Zare, R., & Safari Dashtaki, M. (2019). Design of a social entrepreneurship paradigm model with an approach to empowerment of female household heads, Imam Khomeini RELIEF FOUNDATION, Fars Province (Case study: The Imam Khomeini Relief Foundation of Fars province). *Woman in Development & Politics*, 17(1), 147-171.  
[https://jwdp.ut.ac.ir/article\\_71926.html](https://jwdp.ut.ac.ir/article_71926.html) (In Persian)